



مختلف، اما با ماهیت یکسان وجود داشته است. یعنی جدال بر سر اینکه در توسعه چه به دست می‌آید و برنده و بازنده آن کیست.

همین‌طور است. در اصل، ماجرا، تکرار شدن نگرانی یک استقرار سیاسی بابت تحلیل رفتن توان و جایگاه او و نگرانی او از بوروکراسی و تکنوکراسی و طبقه متوسط و طبقه کارآفرین و خصوصی است که اگر آنها گسترش یابند و قدرت بگیرند، ساختار مرکزی احساس نگرانی می‌کند. بنابراین ساختار ترجیح می‌دهد این بخش‌های بوروکراتیک و تکنوکراتیک در یک حالت ضعیف شده و تحت کنترل باقی بمانند. ساختار این فرآیند ضعیف نگاه داشته تا تکنوکراسی و طبقه متوسط یا دیگر بخش‌ها را به واسطه ایجاد قدرت‌های موازی دنبال می‌کند. مسأله این نیست که فقط در ایران امروز ما صدها شورای عالی فعالیت دارند که عملاً دست دولت، بوروکراسی و تکنوکراسی را در تدوین سیاست و استراتژی‌های حرکت کشور می‌بندند. در دهه ۱۳۴۰ شمسی یعنی در دوره پهلوی دوم هم برای انجام هر کاری دو دستگاه موازی وجود داشت. گفته می‌شود هر وقت می‌خواهید کارزار یا فعالیتی به شکست بینجامد، آن را به هر دوی این دستگاه‌ها یا نهادها ارجاع دهید. وجود و فعالیت دو دستگاه موازی درباره یک مسأله یا یک حیطه، مانع آن می‌شود که اساساً تصمیم گرفته شود. شوراهای عالی هم کاری شبیه به این انجام می‌دهند، حتی اگر رئیس این شوراها رئیس جمهوری باشد. ببینید! امروز شورایی به نام شورای عالی انقلاب فرهنگی داریم که رئیس آن رئیس جمهوری است. اما عملاً این شورا موازی دیگر دستگاه‌های فرهنگی کشور است، در حالی که نه عضوی از این شورا استیضاح می‌شود و نه پاسخگوست.

**در ایران به نقطه‌ای رسیدیم که باید فعلاً و تا اطلاع ثانوی، از توسعه دست بکشیم. برخوردی که با دولت پزشکیان انجام شد، در استیضاح وزیر اقتصاد یا کنارگذاشتن آقای ظریف، کاملاً خلاف روندی بود که از تأیید صلاحیت ایشان و برخورد با ایشان دیده می‌شد**

بنابراین همه نیروی خود را صرف آن می‌کنند تا از دستاوردهای آن ۲۰ سال دفاع و صیانت کنند. در آن ۲۰ سال کشور تغییر ریل داد و این تغییر، نیروی خاص خود را خلق کرد. برخی احزاب شناسنامه‌دار در کشور محصول آن تغییر ریل هستند که هم قدرت سیاسی، هم اقتصادی، هم قدرت استراتژیک، و هم بوروکراتیک دارند. اینها با نیروی خود تلاش می‌کنند از آن دستاوردها و شرایط ایجادشده دفاع و آن را حفظ کنند.

◀ در بررسی یا دنبال کردن استراتژی توسعه، یک مسأله این است که بالاخره برنده و بازنده توسعه کیست؟ به نظر می‌رسد از زمانی که ایران وارد دوره مدرن شد، مدرن هم به معنای مدرنیسم و هم به معنای مدرنیته، در هر دوره‌ای در تاریخ معاصر ما این جدال ولو با عناوین

یا رفع کنیم. در این صورت در گام بعدی می‌توانیم به سراغ اشکال دیگر نابرابری و مشکلاتی که وجود دارد، برویم. ببینید، در ایران به نقطه‌ای رسیدیم که باید فعلاً و تا اطلاع ثانوی، از توسعه دست بکشیم. برخوردی که با دولت پزشکیان انجام شد، در استیضاح وزیر اقتصاد یا کنارگذاشتن آقای ظریف، کاملاً خلاف روندی بود که از تأیید صلاحیت ایشان و برخورد با ایشان دیده می‌شد. عالی‌ترین مقام در کشور، تأکید کردند که موفقیت دولت آقای پزشکیان موفقیت همه ما است. اما ببینید چه برخوردی با دولت ایشان می‌شود؟ این برخورد، چنین چیزی را نشان نمی‌دهد که گروه‌هایی در کشور پذیرفته باشند که موفقیت دولت پزشکیان موفقیت آنان هم هست. این به این معنی است که برخی از نیروهای سیاسی نمی‌خواهند به الزامات سیاسی موفقیت دولت پزشکیان تن بدهد. بنابراین در چنین شرایط سیاسی و سیاستی، اصلی‌ترین مسأله شما، می‌شود زدودن اصلی‌ترین صورت‌های خشونت از چهره جامعه ایران، یعنی کاهش فقر مطلق، تأمین حداقل رفاه سالمندان و تأمین نان شب که معاون توسعه روستایی رئیس جمهوری به آن اشاره کرد. البته خود اینها و انجام همین‌ها هم الزاماتی دارد.

◀ برخی معتقدند که استیضاح وزیر پزشکیان بعد از ۶ ماه با استعفای ظریف یک فرآیند سیاسی و طبیعی است و چیز خاصی نیست. بله، حاصل یک رقابت سیاسی است، اما مسأله‌ای نیست که براساس آن بگوییم وفاق پایان یافته است.

به باور من افراد و گروه‌هایی که از سال ۸۴ به بعد به قدرت سیاسی و اقتصادی دست پیدا کردند، دولت پزشکیان و استراتژی‌های این دولت را خلاف روند آغاز شده و طی شده از ۸۴ تا امروز می‌بینند.

